

ضرورت بازنگری در برنامه‌ریزی درسی رشته کشاورزی با تأکید بر مشارکت اعضای هیئت علمی

بهاره عابدی^۱، مسعود برادران^۲، بهمن خسروی پور^{۳*}، منصور غنیان^۴

۱. کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی

۲، ۳، ۴. استادیاران گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

(تاریخ دریافت: ۹۰/۰۲/۲۲ - تاریخ تصویب: ۹۲/۰۳/۱۳)

چکیده

این تحقیق با هدف مطالعه ضرورت بازنگری در برنامه‌ریزی درسی رشته کشاورزی با تأکید بر مشارکت اعضای هیئت علمی در فرایند برنامه‌ریزی درسی انجام شده است. این پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی به شمار می‌آید. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۵۸ نفر از اعضای هیئت علمی دانشکده و دانشگاه‌های کشاورزی (دولتی) استان خوزستان بوده است که ۱۱۳ نفر از آن‌ها به طور تصادفی و متناسب با حجم هر طبقه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شد. روایی پرسشنامه با نظر اعضای هیئت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی تأیید و برای تعیین پایایی آن آلفای کرونباخ محاسبه شد که میزان آن برای بخش‌های مشارکت برنامه‌ریزان و مخاطبان در برنامه‌ریزی درسی، کیفیت برنامه‌ریزی درسی و چالش‌های نظام برنامه‌ریزی درسی مطلوب به ترتیب (۰/۷۹، ۰/۸۸، ۰/۷۱) α محاسبه شد. نتایج نشان داد که در رتبه‌بندی "میزان شایستگی گروه‌های مختلف برای مشارکت در برنامه‌ریزی درسی از دیدگاه پاسخگویان"، اعضای هیئت علمی بیشترین شایستگی را در این زمینه دارند. در اولویت‌بندی راهکارهای بالابردن کیفیت برنامه‌های درسی رشته کشاورزی، "تدوین برنامه درسی حوزه تخصصی مبتنی بر اصول و روش‌های علمی به دست متخصصان ذی‌صلاح" و "تناسب محتوای برنامه درسی رشته تخصصی با پیشرفت‌های روز" بیشترین اهمیت را داشتند. نتایج آزمون t نیز نشان داد که اعضای هیئت علمی با ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای متفاوت با هم درباره ضعف مطلوبیت نظام برنامه‌ریزی درسی توافق دارند و تفاوت آماری قابل ملاحظه‌ای میان آن‌ها دیده نشد. نتایج آزمون همبستگی نشان داد بین میل به مشارکت اعضای هیئت علمی در برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی و "آشنایی هیئت علمی با اصول لازم برای برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی" و "تصور توانایی هیئت علمی برای مشارکت در برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی" و "میزان اطلاعات هیئت علمی در مورد روند برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی" رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ درصد وجود دارد. نتایج آزمون f نیز نشان داد بین میزان اطلاعات اعضای هیئت علمی با مرتبه علمی گوناگون تفاوت آماری معنی‌دار وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: آموزش عالی کشاورزی، اعضای هیئت علمی، بازنگری، برنامه‌ریزی درسی، مشارکت

مقدمه

و انعطاف لازم را نداشته باشد. قطعاً با توجه به شرایط متحول سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه چنین نظامی مورد پذیرش نخواهد بود (Hejazi et al., 2000).

امروزه، چالش‌های بسیار جدی در زمینه برنامه درسی در دانشگاه ایجاد شده است. یکی از این چالش‌ها مشارکت مؤثر اعضای هیئت‌علمی در برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی است (Fathi vajargah and momeni mahmuyi, 2008).

نخستین نشانه‌های مفهوم برنامه‌ریزی در آرای مارکس وبر جامعه‌شناس آلمانی دیده می‌شود که آن را به صورت تقسیم کار عقلانی و کارآمد امور مطرح کرده است (Matteson and Ivancevich, M, 1993). یکی از مهم‌ترین اصول آن اصل مشارکت است که بر اساس آن هیچ‌گاه برنامه‌ریزی مخصوص افرادی که در رأس سازمان قرار دارند نیست. برنامه‌ریزی جریان‌یابی است که مشارکت همه افراد را می‌طلبد (Mchayekh, 2008).

عده‌ای برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی را کاری گروهی تلقی می‌کنند و آن را بر عهده دانشکده‌ها می‌گذارند که به ایجاد حوزه‌های بین رشته‌ای متعددی منجر می‌شود (Fathi vajargah and Azadmanesh, 2006). پیش از ارائه هرگونه تعریف در مورد برنامه‌ریزی درسی و برنامه‌ریزی آموزشی باید یادآوری کرد که بر طبق گفته بوشامپ برنامه‌ریزی درسی و آموزشی در پرتو برنامه درسی توضیح داده خواهند شد (Posner, 1974). منابع متعدد نشان می‌دهد که چهار جزء ضروری برنامه درسی عبارتند از: اهداف، محتوا، برنامه‌ای از فعالیت‌ها و روش ارزیابی (Dunstan Atkinson, 1987).

Eisner (1994) در معرفی ابعاد و عناصری که باید در فرایند ساخت برنامه درسی به آن‌ها توجه شود، عناصر هفتگانه‌ای را نام می‌برد که عبارتند از: هدف، ملاک‌های انتخاب محتوا، ملاک‌های سازمان‌دهی محتوا، انتخاب فرصت‌های یادگیری، اشکال ارائه (تدریس) و اشکال واکنش (یادگیری و ارزشیابی)؛ بنابراین برنامه‌ریزی درسی به طور منطقی بر روی دو جنبه مشابه معین از محتوا و هدف از برنامه و سازمان‌شان تمرکز می‌کند (Buscher, 2006).

در نهایت، برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی عبارت است از طرحی علمی که دربرگیرنده این هشت عنصر متفاوت است: هدف، محتوا، توالی، یادگیرندگان، فرایندهای یادگیری، منابع آموزشی، ارزشیابی و اصلاح و تعدیل که هدف آن رشد و پرورش دانشجویان است و بیانگر فرایند

امروزه، تدوین برنامه درسی مناسب و بازنگری در نظام برنامه‌ریزی درسی در کشورهای در حال توسعه مانند ایران نیاز است؛ زیرا عوامل مختلفی همچون بحران‌های اقتصادی و کاهش بودجه مالی دولت‌ها بازارهای کار را به سمت خصوصی‌شدن هدایت می‌کند تا بار مالی کمتری را بر عهده دولت گذارد (Mchayekh, 2008).

در این حال، کشورها نیازمند نظام‌های برنامه‌ریزی ویژه‌ای هستند که چنین گرایشی را در نظر می‌گیرند و به سمت سیاست‌های نبود تمرکز در برنامه‌ریزی درسی پیش می‌روند (Salebily, 2007). شواهد نشان می‌دهد که در آموزش عالی کشاورزی تأکید نظام آموزشی به کاربردی-کردن علوم نظری، بیش از نیمی از دانش‌آموختگان بیکارند و از سوی دیگر فقط بخش ناچیزی از دانش‌آموختگان (۷/۸ درصد) به صورت خوداشتغالی مشغول به کارند و مابقی آن‌ها در دستگاه دولتی اشتغال دارند. این یافته‌ها نشان‌دهنده نبود تناسب آموزش‌های ارائه‌شده در آموزش کشاورزی با بازار کار و ضعف این نظام در تربیت دانش‌آموختگان است (Khosravipour et al., 2007). در تعدادی از کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه آفریقای جنوبی، آسیا و آمریکای لاتین، نظام آموزش عالی کشاورزی مشکلات بسیاری دارد؛ از جمله کیفیت پایین بسیاری از بخش‌های نظام آموزش عالی، نامناسب بودن، کمبود سرمایه، زیربنای ضعیف و میزان بالای بیکاری دانش‌آموختگان که باید برای حل این مشکلات برنامه‌ریزی کرد تا نظام آموزش عالی بتواند بیشتر پاسخگوی نیاز توسعه کشاورزی باشد (Maredia, 2007).

یکی از موضوعات مهم در برنامه‌ریزی درسی، اهمیت نوسازی و تجدید نظر در برنامه‌های درسی و هماهنگ کردن محتوا و روش‌های تدریس با شرایط در حال تغییر و نامطمئن است (Saba, 1994). در برنامه‌های درسی فعلی، بازبینی و تغییراتی که همراه با تعدیل و اصلاح اساسی در برنامه درسی باشد به ندرت انجام و در اکثر موارد فقط تغییرات کوچکی اعمال می‌شود (Baradaran et al., 2006). به این معنا که برنامه درسی به درستی ارزشیابی نمی‌شود، متناسب با تغییرات اجتماعی موجود و نیاز روز کشور تغییر نمی‌کند و در طراحی برنامه درسی از فراگیران و دانشجویان نظرخواهی نمی‌شود. این موضوع سبب می‌شود که برنامه‌های درسی فقط از دیدگاه برنامه‌ریزان طراحی شود

آموزشی خواهند بود که دانش نزدیکی در مورد نظام آموزش عالی دارند؛ مانند اعضای هیئت علمی، فراگیران و تولیدکنندگان مواد آموزشی. ممکن است افرادی خارج از نظام آموزشی هم در این گروه‌ها باشند؛ برای مثال کشاورزان، مروجان، کارفرمایان، سیاست‌گذاران و کارشناسان آموزشی؛ البته همه این افراد در فرایند برنامه‌ریزی آموزشی نقش دارند (Taylor, 1999).

برنامه‌ریزان برنامه‌های درسی باید به نیازهای آموزشی دانشجویان دانشکده‌های کشاورزی توجه کنند و دانشکده‌های کشاورزی باید دوباره با جوامع خود ارتباط برقرار سازند. این مسئله زمانی اهمیت پیدا می‌کند که اعضای هیئت علمی کشاورزی برای تسهیل تغییرات برنامه‌های درسی و برای ارتقای کامل برنامه‌ها در پاسخ به تغییرات اجتماعی و زیست‌محیطی تلاش می‌کنند (Borsari and Vidrine, 2010). بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند برای پیشگیری از انزوای اعضای هیئت علمی، استفاده از رویکرد مشارکتی اجتناب‌ناپذیر است. در این زمینه، آراسته معتقد است تصمیم‌گیری مبتنی بر اجماع و افزایش قدرت و اختیار هیئت علمی دو اقدامی هستند که تحقق این رویکرد را ممکن می‌سازند (Arasteh, 2004).

Stark et al. (1997) به بررسی دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مختلف درباره برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی پرداختند. نتایج نشان داد که محققان سازمانی می‌توانند به ایجاد فضای حمایتی برای برنامه‌ریزی منظم و پاسخگو کمک کنند تا برنامه‌ریزی و ارزیابی دقیق را بیشتر به همدیگر مرتبط کند.

Schamhart and den Bor (1994) در مطالعه‌ای با عنوان "توسعه برنامه درسی در آموزش عالی: مطالعه موردی بنین" موردی خاص از بازسازی برنامه درسی در دانشکده کشاورزی بنین را به بحث می‌گذارند. آن‌ها در این مطالعه برای تحریک فرایند اصلاح برنامه درسی، سازماندهی سمینار در آموزش مهندسان کشاورزی را در چارچوب یک پروژه مشترک دانشگاهی بین‌المللی پیشنهاد دادند.

Hodges and burchell (2003) در تحقیقی برای بررسی مهارت‌های دانش‌آموختگان کشاورزی نشان داد آنچه دانش‌آموختگان کشاورزی در زمینه شایستگی‌های عمومی مورد نیاز بازار کار در دوران تحصیل فراگرفته‌اند با آنچه نیاز واقعی دنیای کار است تفاوت بسیاری دارد؛ بنابراین تجدید نظر در برنامه درسی رشته‌های کشاورزی برای پرورش

مشارکت غیر رسمی تعداد زیادی از اعضای هیئت علمی دانشکده‌هاست که در زمینه تحقیقات وسیع درباره رشته‌ها و طراحی برنامه‌های دروس مختلف با برنامه‌ریزان همکاری می‌کنند (Fathi vajargah and Azadmanesh, 2006).

اصولی که در برنامه‌ریزی درسی برای یک دوره باید ارائه شوند عبارتند از:

۱. اصل انتخاب محتوا: مطالبی که باید یاد گرفت و یاد داد؛

۲. اصل توسعه استراتژی آموزشی: مطالب چگونه آموزش داده و آموخته می‌شوند؛

۳. اصل تصمیم‌گیری: ترتیب و توالی مطالب؛

۴. اصل تشخیص توانایی‌ها و ضعف‌های فردی دانشجویان و افتراق اصول کلی (Smith, 2000).

محققان برنامه‌ریزی درسی را در پنج مرحله ترسیم می‌کنند: شناخت و درک متن، برنامه‌ریزی و تأمین مالی، اجرا، نظارت مداوم و ارزیابی و بازبینی (DEECD, 2007). این پنج مرحله لازم و ضروری و در تمام تعاریف مستتر هستند. فواید ارزشیابی برای برنامه‌ریزان شامل این موارد است: بهبود موسسه آموزشی، شناخت منابع مربوط به محتوا و برنامه درسی، تعیین تناسب برنامه درسی، شناسایی نیازها، بهبود استادان و فراگیران و ارائه بازخورد به جامعه در مورد سطح دستیابی به اهداف (Chikumbu, 2000 and Makamure).

با توجه به اینکه ارتباط میان مشارکت و اثربخشی یادگیری همیشه مهم بوده است (Chambers, 1997)، یکی از مدل‌های برنامه‌ریزی درسی، تدوین برنامه درسی به صورت مشارکتی است که تلاش آن در جست‌وجو و شناسایی تمام گروه‌های مؤثر در برنامه‌ریزی درسی برای مشارکت در ساختن برنامه درسی است.

Schamhart and den Bor (1994) برنامه‌ریزی درسی مشارکتی را برنامه‌ریزی درسی منطقی توصیف و آن را رهیافتی برای ایجاد توازن بین خواسته‌های جامعه جهانی و محلی معرفی کرده‌اند. تهیه برنامه درسی نباید تنها به یک گروه کوچک منتخب از کارشناسان متعلق باشد، بلکه در این فرایند، در زمان حاضر، تا حد ممکن بهره‌برداران زیادی دخالت دارند. از میان این گروه‌ها، افرادی از درون نظام

نهادینه کرد و آن را جزئی از زندگی روزانه افراد قرار داد؛ به ویژه در مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌های کشاورزی اگر بهبود مستمر فعالیت‌های آموزشی مد نظر باشد، هر اقدامی کیفیت وضع موجود را بهبود می‌بخشد و بینش‌ها، تجربه‌ها و استعدادهای هریک از اعضای گروه برای رفع نیازها و حرکت به سوی کیفیت و سرانجام دستیابی به وضعیت مطلوب در نظام آموزش عالی کشاورزی به کار گرفته می‌شود (2000 Osborn and Dyer). با توجه به مباحث فوق، این پژوهش با هدف ضرورت بازنگری در وضعیت موجود برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی کشاورزی انجام شده است.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از لحاظ ماهیت، تحقیقی کاربردی است. در این پژوهش، از روش مطالعه میدانی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. جامعه آماری شامل اعضای هیئت‌علمی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، مجتمع کشاورزی و منابع طبیعی بهبهان و دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران بوده‌اند. تعداد کل اعضای هیئت‌علمی ۱۵۸ نفر بود که حجم نمونه بر اساس جدول مورگان ۱۱۲ نفر تعیین شد. نمونه‌گیری به روش تصادفی انجام شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شد و روایی محتوایی پرسشنامه با استفاده از نظر برخی از اعضای هیئت‌علمی در دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین تأیید شد. برای سنجش پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن برای بخش‌های مشارکت برنامه‌ریزان و مخاطبان در برنامه‌ریزی درسی، کیفیت برنامه‌ریزی درسی و چالش‌های نظام برنامه‌ریزی درسی مطلوب به ترتیب (۰/۷۹، ۰/۸۸، ۰/۷۱) α محاسبه شد. توصیف و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های توصیفی و استنباطی F و t و با نرم‌افزار SPSS۱۶ صورت پذیرفت.

نتایج و بحث

میزان شایستگی مشارکت گروه‌های ذی‌نفع در برنامه‌ریزی درسی

نتایج در زمینه میزان شایستگی مشارکت گروه‌های ذی‌نفع در برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی نشان می‌دهد که از دیدگاه پاسخگویان اولویت اول برای مشارکت به اعضای هیئت‌علمی تعلق دارد و به نظر آن‌ها اعضای هیئت یا مجریان برنامه‌های درسی از میان سایر گروه‌ها شایستگی بیشتری برای مشارکت

مهارت‌های آمادگی شغلی مورد نیاز امری اجتناب‌ناپذیر است.

Jayaraj (1992) در مطالعه خود با عنوان "آموزش کشاورزی در هند" درباره نیاز به متخصصان عمومی و الگوی برنامه‌ریزی درسی بحث کرد و بر تجدید نظر در برنامه‌های درسی موجود برای انجام فعالیت‌های متناسب با نیازهای ملی و منطقه‌ای حال و آینده تأکید کرد.

Eisner (1994) در مطالعه‌ای با عنوان "ابتکار آموزشی در طراحی و ارزشیابی برنامه‌های مدرسه" به لزوم توجه به بازنگری در برنامه درسی اشاره کرده و نتیجه گرفته است که هر برنامه درسی که با شرایط تغییر یافته فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی تناسب ندارد، برنامه درسی پوچ یا بسته است.

Fathi vajargah and momeni mahmuyi (2008) در تحقیقی با عنوان "بررسی نقش عوامل مؤثر بر مشارکت اعضای هیئت‌علمی در فرایند برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی" به این نتیجه رسیدند که عوامل علمی، حرفه‌ای درون سازمانی، برون سازمانی، انگیزشی بیرونی و انگیزشی درونی بر مشارکت اعضای هیئت‌علمی در برنامه‌ریزی درسی تأثیر دارند.

Saki (2007) در پژوهشی با عنوان "بررسی ساختار مناسب برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه اصفهان" دریافت که در مورد ترکیب مناسب شورای برنامه‌ریزی درسی گروه‌های آموزشی در دانشگاه‌ها، عضویت متخصصان برنامه‌ریزی آموزشی، متخصصان موضوع درسی و برنامه‌ریزی درسی در ترکیب پیشنهادی شورای برنامه‌ریزی درسی گروه ضروری و حائز اهمیت است.

Sharifian et al. (2010) در پژوهشی با عنوان "شیوه‌های مشارکت اعضای هیئت‌علمی در برنامه‌ریزی درسی دوره تحصیلات تکمیلی در دو دانشگاه اصفهان و صنعتی اصفهان" به این نتیجه رسیدند که بیشتر اعضای هیئت‌علمی هر دو دانشگاه در مرحله اجرای برنامه درسی بر نقش خود با عنوان مجری برنامه درسی تأکید ویژه‌ای داشته‌اند؛ اما در مراحل ارزشیابی و تغییر برنامه درسی تمایل داشته‌اند تا اعضای هیئت علمی برجسته گروه و نماینده اعضای هیئت علمی در این دو گام مشارکت کنند.

یافته‌های گوناگون پژوهشی که به آن‌ها اشاره شد ضرورت بازنگری در برنامه‌ریزی درسی را نشان می‌دهند. به طور کلی باید بهبود مستمر را در مراکز و مؤسسات آموزشی

مقاطع تحصیلات تکمیلی در برنامه ریزی درسی برای مقاطع پایین تر قائل هستند و حضور آن‌ها را مؤثر و ضروری می‌دانند که با یافته‌های Sharifian et al. (2010) تا حدودی همخوانی دارد (جدول ۱).

در این فرایند دارند. دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی و مدیران ارشد آموزش عالی نیز به ترتیب رتبه‌های دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند. این نتیجه نشان می‌دهد که اعضای هیئت‌علمی اهمیت فراوانی برای مشارکت دانشجویان

جدول ۱. میزان شایستگی مشارکت گروه‌های ذی‌نفع در برنامه ریزی درسی از دیدگاه پاسخگویان

وضعیت مطلوب		میزان شایستگی مشارکت در برنامه ریزی درسی		گویه‌ها
ردیف	میانگین	ردیف	میانگین	
۱	۰/۲۵	۲/۱۸	۸/۴۷	اعضای هیئت‌علمی
۲	۰/۴۲	۲/۵۵	۶/۰۶	دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی برای مشارکت در برنامه ریزی درسی مقطع قبل
۳	۰/۴۳	۳/۰۱	۶/۸۷	مدیران ارشد آموزش عالی
۴	۰/۴۶	۲/۶۶	۵/۷۶	دانش‌آموختگان مقاطع مختلف که سه سال از دانش‌آموختگی آن‌ها گذشته باشد
۵	۰/۴۷	۲/۵۲	۵/۳۶	مولدان بخش کشاورزی
۶	۰/۴۸	۲/۷۳	۵/۶۳	دانشجویان برتر هر گروه
۷	۰/۵۲	۲/۷۰	۵/۱۳	کارفرمایان
۸	۰/۵۳	۲/۸۳	۵/۲۸	دانشجویان کلیه مقاطع درسی

*تمام پاسخ‌ها در مقیاس عددی ۰-۱۰ و در یک طیف فاصله‌ای سنجیده شده است.

و شرایط روز و با برنامه‌های درسی سایر کشورها هماهنگ کرد (جدول ۲).

رتبه‌بندی برخی از عناصر و روند برنامه ریزی درسی از میان گویه‌های جدول ۳ برای رتبه‌بندی و مشخص کردن وضعیت مشارکت اعضای هیئت‌علمی در برنامه ریزی درسی رشته کشاورزی، گویه‌های میزان اطلاعات پاسخگویان در مورد روند برنامه ریزی درسی و آشنایی آن‌ها با اصول لازم برای برنامه ریزی درسی دانشگاهی اولویت اول و دوم را به خود اختصاص دادند. این نتیجه گویای آن است که از نظر پاسخگویان آشنایی با اصول برنامه ریزی درسی دانشگاهی و میزان اطلاعات فرد با روند برنامه ریزی درسی مهم‌ترین مسائل برای اعضای هیئت‌علمی هستند. همان‌طور که جدول نشان می‌دهد، بعد از این دو گویه توانایی مشارکت در برنامه ریزی درسی مرتبه سوم را دارد.

راهکارهای افزایش کیفیت برنامه‌های درسی رشته کشاورزی

نتایج نشان می‌دهد که در مورد راهکارهای افزایش کیفیت برنامه‌های درسی رشته کشاورزی در بررسی دیدگاه‌های افراد برای داشتن وضعیتی مطلوب راهکارهای تدوین برنامه درسی حوزه تخصصی مبتنی بر اصول و روش‌های علمی و به دست صاحب‌نظران و متخصصان ذی‌صلاح و تناسب محتوای برنامه درسی رشته تخصصی با پیشرفت‌ها و شرایط روز دو اولویت اول هستند و قابلیت رقابت و انطباق برنامه‌های درسی حوزه تخصصی در سطح جهانی در جایگاه سوم قرار گرفته است. این نتیجه بیانگر آن است که برای دستیابی به وضعیت مطلوب باید برنامه‌های درسی در زمینه تخصصی را افراد صاحب‌نظر و ذی‌صلاح مبتنی بر اصول و روش‌های علمی تدوین کنند تا برنامه‌هایی شایان رقابت با برنامه‌های درسی در سطح جهان تهیه شود؛ همچنین باید برای بالابردن کیفیت برنامه‌های درسی آن‌ها را با پیشرفت‌ها

جدول ۲. راهکارهای افزایش کیفیت برنامه‌های درسی رشته کشاورزی از دیدگاه پاسخگویان

وضعیت مطلوب		راهکارهای افزایش کیفیت برنامه‌های درسی رشته کشاورزی		گویه‌ها
رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	
۱	۰/۱۲۸	۱/۱۶۳	۹/۰۵۳	تناسب محتوای برنامه درسی رشته تخصصی با پیشرفت‌ها و شرایط روز
۲	۰/۱۶۸	۱/۴۷۹	۸/۷۵۲	تدوین برنامه درسی حوزه تخصصی مبتنی بر اصول و روش‌های علمی و به دست صاحب‌نظران و متخصصان ذی‌صلاح
۳	۰/۲۳۶	۱/۹۱۶	۸/۱۱۵	قابلیت رقابت و انطباق برنامه‌های درسی حوزه تخصصی در سطح جهانی
۴	۰/۲۵۶	۲/۰۳۶	۷/۹۳۸	هماهنگی برنامه درسی تهیه‌شده در کشور با برنامه‌های درسی سایر کشورها
۵	۰/۳۱۴	۲/۴۴۵	۷/۷۶۹	تشکیل کمیته ارزیابی برنامه درسی که در مدت زمان معین، برای مثال هر چهار سال یکبار برنامه درسی را بازبینی و بازنگری کند.
۶	۰/۳۲۶	۲/۳۸۷	۷/۳۰۹	توجه به مشکلات کشاورزی در سطح کلان کشور و گنجانیدن آن در برنامه درسی
۷	۰/۳۴۵	۲/۶۲۴	۷/۵۸۴	تشکیل کمیته برنامه‌ریزی متشکل از اعضای هیئت‌علمی، نمایندگان تحقیقات و رؤسای مراکز خدمات (کارفرمایان) برای بررسی مشکلات برنامه درسی موجود در طول اجرای برنامه
۸	۰/۳۶۰	۲/۴۸۴	۶/۸۸۵	توجه به مشکلات کشاورزی در سطح خرد منطقه در برنامه درسی
۹	۰/۳۶۹	۲/۶۲۰	۷/۰۸۸	تدوین برنامه‌های درسی متناسب با نیازهای هر منطقه
۱۰	۰/۳۸۸	۲/۷۸۳	۷/۱۶۸	تشکیل کمیته برنامه‌ریزی درسی متشکل از اعضای هیئت‌علمی، نمایندگان کشاورزان منطقه، دانشجویان مقطع بالاتر و کارفرمایان
۱۱	۰/۳۸۸	۲/۷۱۷	۶/۹۹۱	انطباق و نبود همپوشانی محتوای برنامه درسی در مقاطع مختلف
۱۲	۰/۴۰۶	۲/۸۳۱	۶/۹۶۴	ایجاد مرکز برنامه‌ریزی درسی مخصوص رشته کشاورزی در سطح ملی

*تمام پاسخ‌ها در مقیاس عددی ۱۰-۰ و در یک طیف فاصله‌ای سنجیده شده است.

جدول ۳. دیدگاه پاسخگویان درباره برخی از عناصر و روند برنامه‌ریزی درسی

بررسی وضعیت موجود		دیدگاه اعضای هیئت‌علمی درباره برخی عناصر و روند برنامه‌ریزی درسی		گویه‌ها
رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	
۱	۰/۲۲۸	۰/۴۶۴	۲/۸۲۱	میزان اطلاعات شما در مورد روند برنامه‌ریزی درسی
۲	۰/۲۵۱	۰/۶۵۱	۲/۵۸۹	آشنایی شما با اصول لازم برای برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی
۳	۰/۲۸۱	۰/۵۹۶	۲/۱۱۶	توانایی شما برای مشارکت در برنامه‌ریزی درسی
۴	۰/۳۸۵	۰/۷۴۳	۱/۹۲۸	میل به مشارکت شما در برنامه‌ریزی درسی
۵	۰/۴۳۱	۰/۸۶۰	۱/۹۹۱	رعایت سرفصل‌های ارائه‌شده شورای عالی برنامه‌ریزی درسی در کلاس درس شما

*تمام پاسخ‌ها در مقیاس عددی ۱۰-۰ و در یک طیف فاصله‌ای سنجیده شده است.

محاسبه شد و نتایج جدول ۴ بر این اساس تفسیر شده است.

نتایج آزمون t درباره ارتباط اعضای هیئت‌علمی با سازمان‌های اجرایی، آموزشی و پژوهشی مرتبط با رشته به-وضوح بیانگر آن است که ارتباط با این سازمان‌ها میان دیدگاه اعضای هیئت‌علمی درباره میزان مطلوبیت نظام برنامه‌ریزی درسی تفاوت آماری معنی‌داری ایجاد نمی‌کند. این نتیجه نشان می‌دهد که در محدوده بررسی‌شده تمام

با توجه به هدف اصلی پژوهش با تجزیه و تحلیل و انجام استنباط‌های آماری از داده‌های جمع‌آوری‌شده اطلاعاتی از اعضای هیئت‌علمی به دست آمد که به آن‌ها پرداخته می‌شود.

مقایسه میانگین دیدگاه پاسخگویان درباره میزان مطلوبیت نظام برنامه‌ریزی درسی

میانگین میزان مطلوبیت نظام برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی کشاورزی در وضعیت موجود مقدار ۲/۹۳ از ۱۰ امتیاز

مورد پایین بودن مطلوبیت نظام برنامه ریزی درسی آموزش عالی در رشته کشاورزی اتفاق نظر دارند؛ همچنین نتیجه آزمون t در مورد با محل اخذ مدرک تحصیلی اعضای هیئت علمی نشان می دهد که محل اخذ مدرک تحصیلی بر دیدگاه های پاسخگویان درباره میزان مطلوبیت نظام برنامه ریزی درسی تفاوت آماری معنی داری ایجاد نمی کند. بررسی داده ها نیز بیانگر آن است که عضویت در انجمن های علمی داخلی و خارجی رشته تخصصی نیز در دیدگاه افراد تفاوت آماری معنی داری ایجاد نمی کند (جدول ۴).

اعضای هیئت علمی که با سازمان های اجرایی، آموزشی و پژوهشی ارتباط دارند و نیز تمام پاسخگویانی که با این سازمان ها ارتباط ندارند دیدگاه یکسانی درباره وضعیت برنامه ریزی درسی داشته اند (جدول ۴).

درباره آخرین مدرک تحصیلی و محل اخذ آخرین مدرک آزمون فرض نشان می دهد میان دیدگاه افراد در هر دو گروه دکتری و کارشناسی ارشد درباره میزان مطلوبیت نظام برنامه ریزی درسی تفاوت آماری معنی داری وجود ندارد. این نتیجه نشان می دهد که پاسخگویان با هر دو مدرک در

جدول ۴. نتایج مقایسه میانگین دیدگاه پاسخگویان درباره میزان مطلوبیت نظام برنامه ریزی درسی با توجه به برخی متغیرهای فردی و حرفه ای

متغیر	سطح	میانگین	آماره t	معنی داری
عضویت در شوراهای برنامه ریزی درسی و آموزشی	بله	۹۲/۴۲	۱/۳۱۸	۰/۱۹
	خیر	۹۰/۸۴		
ارتباط با سازمان های اجرایی	بله	۹۲/۷۴	۰/۹۹۲	۰/۳۲
	خیر	۸۸/۴۹		
ارتباط با سازمان های آموزشی	بله	۸۹/۹۶	۰/۶۲۵	۰/۵۳
	خیر	۹۲/۵۸		
ارتباط با سازمان های پژوهشی	بله	۹۰/۷۳	۰/۱۹۶	۰/۸۴
	خیر	۹۱/۵۵		
عضویت در انجمن های علمی (داخلی) رشته تخصصی	بله	۹۰/۹۳	۰/۱۹	۰/۸۴
	خیر	۹۲/۰۶		
عضویت در انجمن های علمی (خارجی) رشته تخصصی	بله	۸۵/۶۵	۱/۲۶	۰/۲۰
	خیر	۹۲/۳۷		
آخرین مدرک تحصیلی	داخل کشور	۹۰/۰۳	۰/۸۷	۰/۳۸
	خارج کشور	۹۶/۲۲		
محل اخذ آخرین مدرک تحصیلی	دکتری	۹۲/۴۶	۱/۰۴	۰/۲۹
	کارشناسی ارشد	۸۸/۶۵		

دانشگاهی با میزان اطلاعات هیئت علمی در مورد روند برنامه ریزی درسی دانشگاهی رابطه مثبت و معنی داری در سطح ۰/۰۵ درصد وجود دارد؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت که میل به مشارکت هیئت علمی در برنامه ریزی درسی با میزان اطلاعات آن ها، آشنایی با اصول برنامه ریزی درسی و توانایی آن ها در این زمینه ارتباط دارد و هرچه از این نظر در سطح بالاتری باشند، میل به مشارکت بیشتری در برنامه ریزی درسی دارند (جدول ۵). این نتیجه با یافته های Fathi vajargah and momeni mahmuyi (2008) همخوانی دارد.

رابطه بین دیدگاه اعضای هیئت علمی درباره میل به مشارکت در برنامه ریزی درسی دانشگاهی با برخی از متغیرهای پژوهش

نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بین میل به مشارکت هیئت علمی در برنامه ریزی درسی دانشگاهی و آشنایی آن ها با اصول لازم برای برنامه ریزی درسی دانشگاهی و همچنین تصور توانایی آن ها برای مشارکت در برنامه ریزی درسی دانشگاهی رابطه مثبت و معنی داری در سطح ۰/۰۱ درصد اطمینان وجود دارد؛ همچنین بین دیدگاه اعضای هیئت علمی درباره میل به مشارکت در برنامه ریزی درسی

جدول ۵. رابطه بین دیدگاه اعضای هیئت علمی دربارهٔ میل به مشارکت در برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی با برخی از متغیرهای پژوهش

معنی‌داری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیر
۰/۰۰**	۰/۳۱	آشنایی هیئت علمی با اصول لازم برای برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی
۰/۰۵*	۰/۱۷	میزان اطلاعات هیئت علمی در مورد روند برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی
۰/۰۰**	۰/۵۲	تصور توانایی هیئت علمی برای مشارکت در برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی

** معنی‌داری در سطح ۵ درصد *** معنی‌داری در سطح ۱ درصد

بین مرتبهٔ علمی مربی و دانشیار و استادیار بوده است و میان سایر گروه‌ها تفاوت آماری معنی‌دار چندانی دیده نشده است. در حالی که مرتبهٔ علمی نتوانسته است متغیرهای میل به مشارکت اعضای هیئت علمی در روند برنامه‌ریزی درسی و توانایی اعضای هیئت علمی برای مشارکت در برنامه‌ریزی درسی را به گونه‌ای معنی‌دار تحت تأثیر قرار دهد. این نتیجه با یافتهٔ Fathi vajargah et al. (2009) همخوانی نداشته است (جدول ۶).

مقایسهٔ میانگین متغیرهای میزان اطلاعات، میل به مشارکت و توانایی مشارکت اعضای هیئت علمی در

برنامه‌ریزی درسی بر اساس مرتبهٔ علمی آنان

نتایج حاصل از آزمون تجزیهٔ واریانس نشان می‌دهد بین میزان اطلاعات اعضای هیئت علمی دارای مرتبه‌های علمی متفاوت دربارهٔ روند برنامه‌ریزی درسی تفاوت آماری معنی‌داری ۰/۰۱ درصد وجود دارد. نتایج آزمون دانکن نیز نشان داد که این تفاوت ناشی از تفاوت معنی‌دار ایجاد شده

جدول ۶. نتایج مقایسهٔ میانگین متغیرهای میزان اطلاعات، میل به مشارکت و توانایی مشارکت اعضای هیئت علمی در برنامه‌ریزی درسی بر اساس مرتبهٔ علمی آن‌ها

معنی‌داری	آماره f	میانگین	سطح	متغیر
		۳/۰۰	استاد ^{ac}	میزان اطلاعات اعضای هیئت علمی در مورد روند برنامه‌ریزی درسی*
۰/۰۰**	۴/۰۵	۲/۶۰	دانشیار ^a	
		۲/۶۶	استادیار ^c	
		۳/۰۶	مربی ^{bc}	
		۲/۵۰	استاد	میل به مشارکت اعضای هیئت علمی در روند برنامه‌ریزی درسی
۰/۱۰	۲/۱۰	۱/۵۳	دانشیار	
		۱/۹۴	استادیار	
		۲/۰۲	مربی	تصور توانایی اعضای هیئت علمی برای مشارکت در برنامه‌ریزی درسی
۰/۳۶	۱/۰۷	۲/۰۰	استاد	
		۱/۹۳	دانشیار	
		۲/۰۷	استادیار	
		۲/۰۲	مربی	

** معنی‌داری در سطح ۱ درصد * حروف مشترک در هر ردیف نشان‌دهندهٔ نبود معنی است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

کیفیت برنامه‌های درسی تناسب محتوای برنامه‌های درسی با پیشرفت‌ها و شرایط روز بیشترین اهمیت را دارد و رتبهٔ اول را به خود اختصاص داده است. بین میل به مشارکت اعضای هیئت علمی در برنامه‌ریزی درسی و میزان اطلاعات و همچنین آشنایی آن‌ها با برنامه‌ریزی درسی و تصور توانایی هیئت علمی برای مشارکت در این فرایند رابطهٔ آماری

با توجه به تحولات جهان امروز، نیاز به بهبود مداوم برنامه‌های درسی امری ضروری به نظر می‌رسد. این امر به مشارکت گروه‌های متفاوت نیاز دارد. نتایج نشان داد که اعضای هیئت علمی از میان سایر گروه‌ها بیشترین شایستگی مشارکت در این فرایند را دارند؛ همچنین برای افزایش

دانشجویان و نحوه آموزش آنها و سایر مسائل آموزشی مرتبط برای ایجاد برنامه درسی متناسب با نیازهای جامعه از طریق اجرای طرح استمرار ارتباط دانش‌آموختگان با نظام آموزش عالی که در گذشته مصوب شده است؛

۶. استفاده از متخصصان و افراد ذیصلاح نظام در برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی کشاورزی برای آنکه برنامه‌های درسی در گرایش‌های تخصصی بر اصول و روش‌های علمی مبتنی باشد و با پیشرفت‌های روز همخوانی داشته باشد و خلاقیت، ابتکار و فراگیری مداوم را در دانشجویان این رشته ایجاد کند؛

۷. استفاده از یافته‌ها و گزارش‌های تحقیقاتی جدید از نقاط مختلف کشور و جهان برای بهبود مطلوبیت برنامه‌ریزی درسی و همچنین شناخت موانع موجود در این راه و سعی در رفع آنها از طریق شورای عالی انقلاب فرهنگی و سایر سازمان‌های مرتبط؛

۸. استفاده از نظر نمایندگان کشاورزان منطقه و مشارکت آنها در برنامه‌ریزی درسی با هدف انطباق بیشتر برنامه‌های درسی با واقعیت؛

۹. آشناسازی اعضای هیئت‌علمی در زمینه اهمیت، جایگاه، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی درسی به وسیله برگزاری کارگاه‌های آموزشی پیوسته در این زمینه؛

۱۰. تشکیل کمیته ارزیابی برنامه درسی متشکل از تمامی ذی‌نفعان برای ارزیابی برنامه درسی در فواصل زمانی معین؛

۱۱. مشارکت دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی در برنامه‌ریزی درسی مقاطع پایین‌تر به دلیل تسلط آنها به وضعیت سامانه آموزش عالی در مقطع مربوط.

معنی‌داری وجود دارد. نتایج مقایسه میانگین آزمون f نیز نشان داد که مرتبه علمی در میزان اطلاعات اعضای هیئت‌علمی تفاوت آماری معنی‌داری ایجاد می‌کند. در نهایت آنکه نتایج آزمون t نشان داد میان دیدگاه اعضای هیئت‌علمی درباره میزان مطلوبیت تفاوت آماری معنی‌داری وجود ندارد. با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهادهای زیر مطرح می‌شود:

۱. ایجاد انگیزه در اعضای هیئت‌علمی برای شناخت مدل‌های برنامه‌ریزی درسی مناسب برای آموزش عالی کشاورزی، به‌ویژه مدل‌های مشارکتی و تایلر، از طریق اعطای امتیاز پژوهشی، برگزاری کارگاه آموزشی و مشوق‌هایی در راستای آیین‌نامه ارتقا؛

۲. برقراری جلسات سالانه برای شناسایی نیازهای بازار کار، یافته‌های جدید تحقیقاتی و بازگرددن روش‌ها و نیازهای جدید آموزشی، برای تعدیل و اصلاح برنامه‌های درسی بر اساس نیازهای جدید؛

۳. تمرکز بیشتر بر کیفیت فرایند تدریس، یادگیری و بهبود آموزش‌هایی که دانشجویان در مراکز آموزش عالی کسب می‌کنند از طریق بهبود مهارت‌های آموزشی اعضای هیئت‌علمی، بهبود فضاهای آموزشی و رفاهی و ایجاد تناسب بین کیفیت امکانات و تعداد دانشجویان؛

۴. تشکیل کمیته‌های مشترک برای برنامه‌ریزی درسی متشکل از اعضای هیئت‌علمی، متخصصان برنامه‌ریزی درسی و موضوع درسی، نمایندگانی از مراکز تحقیقات کشاورزی و کارفرمایان به‌ویژه در جهاد کشاورزی؛

۵. ایجاد پایگاهی اطلاعاتی و آماری برای دریافت اطلاعات صحیح در مورد وضعیت دانش‌آموختگان و

REFERENCES

- Arasteh, H. R. (2004). Higher educational leadership and management of higher education encyclopedia. Research and planning of higher education organization. Great Persian Encyclopedia Foundation. Tehran.(in Farsi).
- Baradaran, B., M. J. Behtash, A. A. Ajili, and Ghanian, M. (2006). the internal evaluation of extension and education of agriculture department of shahid chamran university. The national education organization. Tehran.(in Farsi).
- Borsari, B. and Vidrine, M. F.(2010). preliminary consideration on the design of a standardized curriculum in sustainable agriculture. Sustainability in agricultur, pp: 1-13.
- Buscher, B. (2006). Participatory Innovation Development and Curriculum Development. CIS-VUAAmsterdam.
- Chambers, R. (1997). Whose reality counts?, London, Intermediate Technology Publications.
- Chikumbu, t. j. and Makamure, R. (2000). curriculum theory, design and assessment, The Commonwealth of Learning. pp:1-79.
- Department of education and early childhood development. (2007). curriculum

- planning. State of Victoria. Retrieved February 11, 2011, from <http://www.education.vic.gov.au/studentlearning/curriculum/default.htm>.
- Dunstan Atkinson, W. (1987). Curriculum development in tertiary agriculture and horticulture, *Journal of agricultural system*, Vol. 26, Issue 3, Pp: 165-177.
- Eisner, E. (1994). *the educational imagination: on the design and evaluation of school programs*. Macmillan publishing company: n.y.
- Fathi vajargah, k. and Azadmanesh, N. (2006). Feasibility of using ICT in the curriculum of higher education. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, Tehran.42. (in Farsi).
- Fathi vajargah, k. and momeni mahmuyi, H. (2008). investigation the role of effectiveness factor in academic curriculum planning. Retrieved from www.sid.ir. (in Farsi).
- Fathi vajargah, k., Arefi, M., and Sharaf, z. (2009). Conditions and areas of faculty members participation in academic curriculum planning progress. *Iranian Journal of Higher Education*, No. 4. Pp:146-178. (in Farsi).
- Hjazi, Y., Bazargan, A., Movahed Mohammadi, H. and Baradaran, M. (2000). affecting Structures on the internal evaluation of higher education system case study of agricultural extension and education of Tehran University. *Iranian Journal of Agricultural sciences*, University College of Agriculture and Natural Resources University of Tehran,31(4). (in Farsi).
- Hodges, D., and burchell, n.(2003).business graduate competencies: employer's view on importance and performance. *Asia-pacific journal of cooperative education*, 4(2), PP:16-22.
- Jayaraj, S. (1992). agricultural education: the need for generalists. *journal of Agricultural system*, Vol. 40,issues 1-3, pp: 177-193.
- Khosravi pour, B., H. Iravani, M. Hosseini and H. Movahed mohammadi. (2007), Identify of effective components of training on inclusive student of an applied higher agricultural education, *Iranian Journal of Agricultural sciences Economics and Agricultural Development in particular.*, University College of Agriculture and Natural Resources University of Tehran, 38 (2). (in Farsi).
- Maredia, M. (2007). Curriculum enhancement and reform to meet the needs of small holder farmers in developing countries: survey of literature. *journal of agriculture and rural development in the tropics and subtropics*, vol. 27, No. 4, pp:435-445.
- Matteson, M.T. and Ivancevich, J. M. (1993). *Management and Organizational Behavior*. Classics(5 th ed.). Richard D. Irwin, Inc.
- Mchayekh, F. (2008). *New perspectives in educational planning*, (8 th ed.). Tehran.
- Osborn, E.W. and J. Dyer. (2000). Attitudes of Illinois agri-science Students and their parents agriculture and agricultural education programs. *Journal of Agricultural Education*, No.14, pp: 42-51.
- Posner, G. J. (1974). Beauchamps " Basic components of a curriculum theory"A Rejoinder. *Journal of curriculum theory network*, Vol. 4, No. 1, pp. 56-60.
- Saba, N. (1994). *Curriculum development centers*.
- Saki, M., Sharif khalifeh soltani, M. and Nasr Esfahani. A. R. (2007). Study the proper curriculum planning structure of Esfahan University. *Iranian curriculum territory*, assessment of the present situation and draw appropriate perspective. The samt publisher. Pp: 54-65. (in Farsi).
- Salsebily, N. (2007). The transition of Iran curriculum planning system towards decentralization of curriculum design and curriculum development, with emphasis on school-based curriculum. *Journal of Curriculum Studies*,1(4),49-68. (in Farsi).
- Schamhart, R. and den Bor, V. (1994). *Curriculum Development in Higher Agricultural Education: A Case from Benin*. *Journal of Higher Education Policy*, vol.7, pp: 56-62.
- Sharifian, F., Sharif, M., Jafari, A. and Mousa pour, N. A. (2010). Methods of Faculty members participation in graduate Curriculum Planning. *Journal of Research and Planning in Higher Education*, No. 57. Pp. 44-23. (in Farsi).
- Smith, M. K. (2000). 'Curriculum theory and practice' the encyclopedia of informal education. Retrieved from www.infed.org/biblio/b-curric.htm.

Stark, J. S., Lowther, M.A., Sharp, S. and Arnold G. A. (1997). Program-Level Curriculum Planning: An Exploration of Faculty Perspectives on Two Different Campuses. *Research in Higher Education*, Vol. 38, No. 1, pp: 99- 130.

Taylor, p. (1999). *Participatory Curriculum Development for Agricultural Education*

and Training: Experiences from Viet Nam and South Africa. sustainable development department(sd), food and agriculture organization of united nations(FAO). Retrieved from www.fao.org.